

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی

۲۱۱۲۱

۱۷۸

تس نظم

احدیانی کانون اسلامی انصار

علیرضا جابر انصاری

نمبر ۶ شش

کتابخانه فیروز

۱..... خطی..... و..... کتب متفرقه.....

اسم کتاب.....

اسم مصنف.....

شرح.....

37

مختار

تتمت في شهر ربيع الثاني سنة ۱۲۷۱

في دار الخياطة بدمشق

بخطه في شهر ربيع

21121
262629

(۱) همبر باد لای چن بر سر کز دیده که شام هر قشون در کانی آن

اهم و المزم امور و عیث سرکت و قدرت و اهل حق و دولت

و ملت است در دافعه و خارج چنانچه در حالش و می شود که روز بروز

از دایه آن نسبت بحیثیت و مدخل مملکت بمقتضای وقت تغییر

و تر ۲ در دولت حرب سی و است تمام زیاده بکار برده و برین

(۲) بر همه احوال و افلاک مملکت و عیث دینی و دولت که بحیثیت

از دایه و حفظ و عیث دین و دولت و ملت و مملکت تعدد مملکت

خود را و در حضرت عکریه بنیه در دولت بعد کفایت و از دایه و عیث

آن اثنی عشر کوه سطره و عیث دایه و اصف و عیث دایه و عیث دایه

کشته که نیز قانون بکار گرفتن قشون است بهترین فین است

(۳) بحیثیت قریه پاشی صیح صیح و عیث دایه و عیث دایه

ولایت و قصبه و عیث دایه و عیث دایه و عیث دایه و عیث دایه

معین شوره اهرگاه و عیث دایه و عیث دایه و عیث دایه و عیث دایه

که از معمول دلم

هر کس قیله خود را در صورت اعنیه از حالت زاری نجات نماند
معاف نماید انوقت قیمی که در مجلس فخر محمد بن کارمین کرده اند
باید داده معاف بشود و این مبلغ شرف احمد و غیره منصفان بخوانند
و بلکه از برای اینم قلم پولی مخفی سیزده شای نظیر قرار خوانند و اگر کم مصرف
قوتن برسد

و کسب خود شود که اینک دولت قلم را ریف هم بخورم ده شته باز داشت
از در قافونیکه در مجلس شعر و ادب نشسته خواهم قرار بخت و دفع آن عالم شود
یا از دفع تبیین ته و صفت سربازت هر که از چندی حسیع لبر ملک قرشن
مجب و در سخت ات خواهد بود و حله کار آن دفع دیگر متضمم لبر ملک است
که در اس کی حرفه بیکر شد در ممبر شرای نظار تحقیق هم اینها فکر خواهد شد

مخارج کثیر بر بازار آید هر چه متین بود چنانچه در اول اردو پالین
مخارج و جهت افسام صلح از برای یک نفر باشد سه صد مملکت بتیر
جناس و مخارج قورقانه و ولدوات حرب و جغض و غیر اینها
مستغنی عنهم له

ایمانی چهار ششمان دس هزار

نست اشعار ده تان

بزرگی استاد چهار تان دس هزار

اسپانیل یکصد و چهار تان دس هزار

دست پاپ پنجاه تان

فارس یکصد و چهار تان دس هزار

دست یان چهار تان دس هزار

هند اشعار ده تان دس هزار

اطالی یکصد و چهار تان

پرس اشعار ده تان دس هزار

افلس است دس تان دس هزار

روس سواد ده تان دس هزار

دانی مارک سرخشان دس هزار

سوز است دس تان دس هزار

سوز چهار ششمان دس هزار

دست عثمانی سوز دس تان

زرع است دس تان دس هزار

رومانی سوز چهار دس تان دس هزار

دست یان دس تان دس هزار

دست یان دس تان دس هزار

دست یان دس تان دس هزار

دست یان دس تان دس هزار

دست یان دس تان دس هزار

دست یان دس تان دس هزار

دست یان دس تان دس هزار

دست یان دس تان دس هزار

دست یان دس تان دس هزار

دست یان دس تان دس هزار

دست یان دس تان دس هزار

۱۵) در برابر دلیلت لایت کینه تحقیر نظام لایق نیست
 که وجه نظام از قله قطب تحویل شود و در وقت وقوع عجز مدینه
 ریزد
 ۱۶) در این مسکن نظم و دین قرون زمین خوراک و دین است
 چنانچه فرزند دین اول تقن قونین نظام بود پس بکسر ادراک است
 چنان که که بهان لفظ فرزند نوشته شود

در این صورت چنان قون این را که نقدی سیدانه چاه ماه به قیام قدیم
 مان در همان ماه بدون کسر نموده و کوزه در گرم و غیره برینا و در حجب
 دور در حقیقت هر دو عشر و یونان خوش است اقدسه ماه به ماه نقد
 در فرشتان کسب است که بچه خود خفته ای فتنه سر به اگاه کیش ثواب
 در این باقی قون از هر سر به و له اطمینان است که از آن شید این
 در غیرت قوت و دلت برتر از همه باشد و در غلبه اتفاق فک که در دروغ
 سه ماه به ماه هفت صحرای که آن کرده و حاکم نموده از این فتنه که در
 باز در سیر نماند با بنیاد سند و آنهم با از در دلت و کسر نقصان ازین ماه
 به و دیگر بخت و گاهی این است

۱۷) چرا که در حجب قون در هر ایالت به در حجب که مضر
 نیز کار است بدون عیب و در آن قون و در آن مضر در آن

که اگر در وقت گرفتن حجب بر سر اهر کند و از شهر نماند و پسین ماه
 در حجب مضر که گفته شود و در آن قون سبب خواهد است که از حجب
 است در آن و در آن خود را با خود حجب خود را در آن و در آن
 اگاه لایق است خوب بود در هر حال این بهین طور باشد

۱۸) بکنکه عدل و کسر و مخرج این است نسبت با فوج حجب
 منصب اینها در محسب شخص فتنه و کثیف اینها حجب از دیگران در
 و هر تان جزو دیگر در کتب حجب اگاهانه در محسب از این نظر نوشته شده است
 شود و چون نماند که کس بر کس فوج شد بگوید برت و در تان فتنه
 از هم و با لکس اگر کس برت چند فوج شد بگوید برت لکس از هم
 هر یک از حجب این لکس فتنه حجب خود است که در قون از این نظر
 قون در حجب حاکم قون در رابطه حجب است و نه در حجب است
 بلکه در حجب است بدون یک از آن را سبب در قون حجب است
 حجب بود

۱۹) حجب و در حجب حجب این است نسبت به حجب در
 در هر دو حجب موقوف باشد و به ماه بدون کسر به که یک طرح
 به این خود کند

در هیچ در یک از ولایات تهنیه تهنیه که دارد چنانچه نظر
در شش و در ست کار ما مورد و محاسن نظر و محاسن تحقیق و در
شکر و غیاث و قاضی که در مجلس شورای نظر منظر نظم
باید قرار دارد و در هر یک از این ولایات تحریک و نظام معین شود

در احکام ولایت هیچ مدافعه در هر قون نباید داشته باشد
مگر اینکه آن حکم از ولایات عظمی که در نظر اول ولایت است باشد و تعلیف
حاکم است که مزاج قون و ولایت پرده خود را از انقضای و جواز قرار
قد معین به تحریک نظام در هر قون بدون کسرین

در اول اختلافی که در مجلس شورای نظر و محاسن که در این
در معین هر قون و قونانی که در این مجلس شود و این معین قون و قونانی
در یک از این نظام است و هر یک معین محقق گردد

در تعیین عدل و شکر و شکر و در هر یک از این قون و قونانی
در هر یک از این قون و قونانی که در این قون و قونانی
در هر یک از این قون و قونانی که در این قون و قونانی
در هر یک از این قون و قونانی که در این قون و قونانی

نحوه است و در هر یک از این قون و قونانی که در این قون و قونانی
در هر یک از این قون و قونانی که در این قون و قونانی

در هر یک از این قون و قونانی که در این قون و قونانی
در هر یک از این قون و قونانی که در این قون و قونانی

در هر یک از این قون و قونانی که در این قون و قونانی
در هر یک از این قون و قونانی که در این قون و قونانی

در هر یک از این قون و قونانی که در این قون و قونانی
در هر یک از این قون و قونانی که در این قون و قونانی

در هر یک از این قون و قونانی که در این قون و قونانی
در هر یک از این قون و قونانی که در این قون و قونانی

در هر یک از این قون و قونانی که در این قون و قونانی
در هر یک از این قون و قونانی که در این قون و قونانی

باشند و غیره و شکر شوند در اینجا هم سید که آیه آیه آن حضرت به چند مرتبه
وزارت اعظم عسکر نظیر فرستادن خواه شد و به هر چه زودتر در قتل
اند نه بجهت محبت قتل نه بکفر و قورخانه تمام شود و بکفر هر کس که
درست شود فرد و کاخند باریه و اخطافه محضه موقوف شود راه قتل زودتر
سید در خواسته

۲۱۳ صاحب مضبان هر دو بنده ای که با طاری کردند
ولایت سربازان در تربیت شدند شده هرگاه صاحب منصب
از بیایان با و با لکس لقا هم ملک و مال عیا غلبه شود
و هم نظم قون بدی بهتر شود

۲۱۴ صاحب مضبان خرج از قرض از قرض بایست آوردان و عیال
رناده از زنده از مصرف قون لقا هم پیش خرج زیادت بلکه
حجتی نماند آن حکام و سید که با هر نظام و بودن در راه
و در اینجا نظایر هر قدر لازم است در مجلس شورای معین شود

۲۱۵ قوت در در شان و منصب داده شود که از دیگر گرفته
به با بهینه بعد از چند سال خدمت بعد از آنکه به نفع مالداران
منصب خود را از دست رسیده و چون با نماند هر کس با نماند

خود را با نماند بلکه سید در با نماند و در چندی می تواند سر راه هم باشد
و چون هم نماند که با نماند خیال با نماند بعضی را با نماند و در چندی می تواند سر راه هم باشد
ترقیات کلیه کرده باشد که در قیاسه فردی در نظام بود و هر روز با نماند
قبیل بعضی اشخاص سلطان و سایر و سید که با نماند هر چه می توانست
ش نماند و با نماند ترقی می توانست

۲۱۶ حکم غزل و غلبه مضبان از یاد به با نماند
خویش شاه است که به نماند محقق و محاسن تحقیقات نظام و در اعظم
عسکر به بعضی رتبه حکم هم هر چه خواهد بود

۲۱۷ بحکم به نماند و اول هر آم و در است نظایر به با نماند
معین شود

۲۱۸ از برای بر تقصیری میسر کند و با نماند هر چه می توانست
نمود و بدون اغراض مدح و عیب هر چه شود

۲۱۹ از قرض معینه نظام معینه و حکمت و قورخانه معین شود
با به بصواب و در قیاسه به نماند هر چه می توانست

از یاد ثوق عموم مردم در قصید علوم قرن ظاهر کرد

در ۳۴) حکم خود پیش از آنکه آن معلوم در دست در انفرق است و در غیر
 ساگر و امتعات علم نظام از حجاب دین دست و دکت طبر و شمر
 در راه خارج خط و رابط با پادشاه که تا آنکه آن است از آن جوانان شوق
 ساگر و ان که در حال خارج می خوانند بدست نظر و نظر شوق و شوق
 یک سال کار بستم و تربیت دانش خوانده است و در این
 معین اما یک سال در حال در چهره و چهره خوب و خوب
 در ۳۵) هرگاه که مکنه شود به سال از جوانان ساگر و ان که چهره
 به هر طریقی که کافی به دل فراموش شود و نظر و نظر و نظر و نظر
 بی کار و ان که به هر طریقی که به هر طریقی که به هر طریقی که به هر طریقی که
 شوقی دارند و عاقبت در هر حال از دل فراموش بی نیاز خواهند بود

[illegible]

که او به قدر قول میگوید و هیچ بدانند خرج خواهند داشت

۳۵ - در این خبر در حق خود را ندانم
در معنی است که بعد از آنکه آن را از حق
در جمیع اوقات قرآن نمود

و در فرج ظاهر از غروشت رسته میباشد و در حوض آب آن کثرت و فرج
و نه از کلمه غده قرون ثبات کما خواهد کرد

(۳۳) هرگاه فرج یک مهره روی پنج دقیقه در فرج نشود و
 در آن سال سعادت و گزند نباشد آن مهره را فرود آورده
 و نیز فرج را در آن سال ناسم کرده که هرگاه بر آن است
 فرج بعد از یک سال و یک و دو سال نباشد و نیز فرج

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة
والصلاة والسلام على من لا نبي بعده
ثم بعد ذلك در مقام وصفت چاه پیر در کشتی
نشان از برزخ عالم سرور و سعادت هر چه صدق خدایا گمراه

هر چه پیر تقیر گرفته شود و صرف روشنائی در حجت اگرست که است سرور
همه ای نیز در دست چرخ دایره قدر و زحمت و سرور و قدر و ثوابی که بکار
۲۲ برن در مجلس بحر دل شوق که حرفی از بعد کلمات از خواب و گفت
قوال و قرائنی بنابر ترز و نظم و غیره بنابر نظم و سبب و سبب و سبب
تغیر کردم لبای دادم قوام و قرائنی بنابر نظم و سبب و سبب و سبب
نمودنی بنابر نظم و سبب و سبب و سبب و سبب و سبب و سبب و سبب
هر که از دست قوام و سبب و سبب و سبب و سبب و سبب و سبب و سبب
کرده بودند و پیر صرف تقیر و حجت و روشنائی را از این قوام
خود قدر و سبب و سبب و سبب و سبب و سبب و سبب و سبب و سبب
مکات خود و قرائنی بنابر سبب و سبب و سبب و سبب و سبب و سبب و سبب و سبب



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۳۷۳۷۲۶

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: حقوق نظام

مؤلف:

مترجم:

شماره قفسه: ۲۱۱۲۱ اهدایی آثار علیه رضا جابر لاری

